



جمهوریت و اسلامیت

در اندیشه رهبر شهید استاد عبدالعلی مزاری



✍ امان الله فصیحی

فضایی برای جمهوریت باقی نگذاشته بود و همه چیز از بالا بر مردم تحمیل می‌شد؛ گویان که مردم نه عقلی برای تدبیر دارد، نه بهره‌ای از مالکیت قدرت و نه سهمی در تعیین سرنوشت خویش. آیدیال تایپ این نوع نظام، امارت طالبان است. تاریخ نشان داد که در سایه این نوع نظام‌های سیاسی نه دولتی باثبات و مقتدر نهادینه شد و نه خرده هویت‌های اجتماعی به یک ملت و مای واحد مبدل گردید.

اگرچه نظام سیاسی فعلی افغانستان حاوی هر دو عنصر است، اما باز هم لازم است که تفسیرهای روشن از این دو مفهوم ارائه شود. چون این مفاهیم نیز مانند دیگر مفاهیم حاکم بر جهان انسانی دارای معانی متکثر و متنوع است. گاه تفاسیری از مفاهیم مذکور تفاوت‌های زیادی را ایجاد نموده است. برای مثال ایران، عراق و پاکستان هر سه جمهوری اسلامی‌اند، اما تفاوت‌های بنیادی با همدیگر دارند. آنچه سه نظام مذکور را از همدیگر متمایز ساخته است، تفسیرشان از جمهوریت و اسلامیت است.

یکی از مباحث عمده و اساسی در جوامعی چون افغانستان، بحث جمهوریت و اسلامیت است. در فضای گفتمانی سیاسی امروز ما نیز یکی از مباحث جدی است. از این رو لازم است که مفهوم و نسبت این دو مؤلفه به خوبی کاویده و تحلیل شود. با توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی افغانستان اگر نسبت این دو مؤلفه روشن نشود، پروسه دولت و ملت‌سازی با مشکلات زیادی مواجه خواهد شد و دستیابی ۱۳۹۴ به یک نظام سیاسی مقتدر و باثبات اگر نگوئیم غیرممکن است، اما یقیناً با چالش‌های زیادی مواجه خواهد گردید. تاریخ افغانستان نیز گواه این واقعیت است؛ برخی نظام‌ها با ادعای نهادینه سازی جمهوریت، اسلامیت را نادیده گرفته است. مثل جمهوریت داوود خان و یا حتی با اسلام و حضور آن در عرصه سیاسی مخالفت ورزی نمود؛ مانند کارگزاران جمهوریت دموکراتیک خلق.

در مقابل افغانستان نظام‌هایی را نیز تجربه نموده است که گستره دین را آن قدر توسعه و عمق بخشیده بود که هیچ

از جمله شخصیت‌های سیاسی که در افغانستان به هر دو مؤلفه به عنوان عناصر اصلی نظام سیاسی اشاره نموده است، رهبر شهید استاد مزاری است. ایشان در زمانه خود راه نجات افغانستان را در تشکیل یک نظام سیاسی جمهوری اسلامی می‌دانست. از این رو، لازم است که فضای مفهومی این دو عنصر را در بیانات ایشان واکاوی کنیم تا مقصود شهید وحدت ملی از دو مؤلفه مذکور روشن شود و این‌که چگونه این دو را جمع نموده است؟

۱. جمهوریت

جمهوریت به صورت مکرر در بیانات و مصاحبه‌های رهبر شهید ذکر شده است. از نظر رهبر شهید قدرت نه آسمانی است و نه قدسی، بلکه یک پدیده انسانی و عرفی است مانند دیگر پدیده‌های اینجایی و اکنونی که از سوی مردم به عنوان مالکان اصلی آن به حاکمان داده می‌شود. بر همین اساس، حاملان قدرت یا حاکمان نه ظل الله در زمین است و نه واسطه میان خلق و خالق و نه حامل کاریزما، بلکه انسان‌های معمولی است که تنها دارنده ظرفیت و مهارت کاری بیشتر از برخی دیگر است. لذا حق مردم است که در سرنوشت‌شان دخالت داشته باشند و خودشان سرنوشت خویش را رقم زنند: «حق طبیعی همه مردم و ملیت‌های افغانستان این است که در تعیین سرنوشت آینده‌شان مشارکت داشته باشند،... ملیت‌ها خواسته‌هایشان را طبق آمار و میزان جمعیت می‌خواهند؛ یعنی هر ملتی در افغانستان طبق جمعیتش باید در سیاست‌گذاری، تشکیل دولت و تصمیم‌گیری‌های سرنوشت‌ساز سهمی داشته باشد.» (غفاری، ۱۳۹۶: ۷۵).

از آنجایی که قدرت به مثابه یک امر انسانی از سوی مردم به حاکمان داده می‌شود، روندهای انسانی در اندیشه رهبر شهید بسیار ارزشمند است. لذا قانون و انتخابات به عنوان سازوکارهای رایج و نرم چرخش قدرت حیاتی می‌شود. همان‌گونه که تبعیض جنسیتی منتفی شده و هر دو جنس انسان نقش یک‌سان در تعیین سرنوشت خود دارند؛ چون در نحوه واگذاری قدرت در مباحث جدید، کمیت مطرح است؛ رهبر شهید میزان و مقدار جمعیت را در واگذاری حقوق سیاسی و امتیازات اجتماعی مهم می‌داند؛ نه مسائلی چون تقوا

و فضیلت دینی و ایمانی که در برخی از نظام‌های دینی مبنای اعطای امتیازات اجتماعی قلمداد می‌شده است و می‌گردد: «ماخواستار حکومتی هستیم که طبق قانون و انتخابات میان آید و در آن مرد و زن شرکت داشته باشند و برای مردم خود بر اساس تعداد نفوس و وسعت جغرافیایی اش خواستار حقوق در آینده هستیم.» (غفاری، ۱۳۹۶: ۱۳۸ و غفاری، ۱۳۹۶: ۴۷).

بر مبنای اندیشه رهبر شهید، طلب حقوق شهروندی حق هر انسانی است و در برابری عدالتی باید مقاومت نماید؛ بر خلاف دیدگاه قدسی دانستن قدرت. از نظر آنان مردم فاقد زبان مطالبه‌گری هستند، بلکه آن‌ها باید به تکلیف خود عمل نمایند و حاکمان به عنوان تحفه یا بخشش امتیازاتی را بر اساس قاعده لطف به هر شخصی که خودش صلاح بدانند، اعطا می‌کند: «این حق طبیعی مردم است که خواستار حقوق خویش و عدالت باشد.» (غفاری، ۱۳۹۶: ۵۳).

با توجه به فضای سنگینی که علیه زنان وجود داشته است، رهبر شهید به برخورداری زنان از حق برابر با مردان در مسائل سیاسی با صراحت بیان داشته است: «زنان از کلیه حقوق انسانی برخوردار هستند و می‌توانند در همه عرصه‌های حیات اجتماعی و سیاسی کشور فعال باشند، انتخاب شوند و انتخاب کنند.» (غفاری، ۱۳۹۶: ۶۲). از آنچه تاکنون بیان شد، روشن می‌شود که حاکمی مشروعیت دارد که از مجرای قانونی و عقلانی قدرت را کسب کرده باشد نه کاریزما و سنت.

۲. اسلامیت

به همان میزانی که رهبر شهید بر جمهوریت تأکید داشته است، بر اسلامیت نیز توجه داشته و به صورت مکرر بیان کرده است که حکومت متناسب با واقعیت‌های عینی جامع‌ال افغانستان باید اسلامی باشد و نمی‌توان اسلام را در تشکیل حکومت ایزوله کرد؛ اما حکومت اسلامی مورد نظر ایشان دارای چند خصوصیت برجسته است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف. حکومت فرامذهبی: در گذشته افغانستان در زمان رهبر شهید، وقتی از آمیختگی اسلام و حکومت سخن می‌رفت، به حکومت اسلامی تقلیل می‌یافت که فقه حنفی مبنای آن بود. اما در گفتمان شهید مزاری جوهر مشترک اسلام یا دین فراتر

از مذهب مبنای شکل‌گیری نظام سیاسی است. ایشان بارها حکومت اسلامی مبتنی بر یک مذهب خاص را نفی کرده و آن را با واقعیت عینی جامعه افغانستان سازگار نمی‌داند. از همین رو است که در اندیشه استاد شهید، حکومت اسلامی، یک حکومت ملی است نه حکومتی که در آن گروهی از شهروندان از حضور در نظام قدرت محروم شود: «مردم افغانستان خواست قاطبه‌یشان حکومت اسلامی است. حکومت اسلامی برای مردم افغانستان یک حکومت صد در صد ملی تلقی می‌شود.» (غفاری، ۱۳۹۶: ۱۸۹). حکومت اسلامی که در آن جایگاه همه مردم افغانستان پذیرفته نشده باشد، مورد قبول رهبر شهید نبوده و عامل شکست حکومت‌های پیشین را نیز به همین خصوصیت ارجاع داده است: «راه حل اصلی را یک حکومت اسلامی مورد قبول همه مردم افغانستان می‌دانیم؛ یعنی تازمانی که این مسأله به وجود نیاید، افغانستان را یک حزب و دو حزب یا یک نژاد و دو نژاد نمی‌تواند اداره کند.... در غیر این صورت هر راه حلی که باشد منجر به شکست می‌شود، چنان‌که در این مدت این خواسته به حق مردم را در نظر نگرفتند و دچار شکست شدند.» (غفاری، ۱۳۹۶: ۷۶).

ب. رعایت عدالت: خصوصیت دیگر حکومت اسلامی مورد نظر رهبر شهید، تحقق عدالت در جامعه است؛ حکومت عادلانه نیز حکومتی است که در آن حقوق تک تک شهروندان تأمین شود؛ یعنی یک حکومت انسانی: «ما خواستار یک حکومت اسلامی مبتنی بر قانون و عدالت اجتماعی در افغانستان هستیم که در آن حقوق همه مردم افغانستان به تناسب نفوس و میزان حضورشان در حیات سیاسی اجتماعی کشور تأمین گردد.» (غفاری، ۱۳۹۶: ۸۸).

همچنین حکومت اسلامی با منطق غلبه و زور ناسازگار است. ویژگی مذکور، مبنای مشروعیت در یک حکومت اسلامی شمرده نمی‌شود و در آن خواسته‌های همه شهروندان تأمین می‌گردد: «ما امیدواریم که در افغانستان حکومت اسلامی که خواسته‌های تمام مردم افغانستان را تأمین کند به وجود آمده و منطق اصالت زور و حکومت‌هایی که می‌خواهند با زور بر مردم حکومت کنند نابود گردد.» (غفاری، ۱۳۹۶: ۹۰). در جای دیگر به جنبه سلبی موضوع نیز اشاره کرده است. یعنی هر نوع حکومتی که بر بی‌عدالتی استوار باشد، اسلامی نیست؛

«اگر روزی در این سرزمین حکومت اسلامی واقعی برقرار شود، در آن حکومت اسلامی نه تبعیض نژادی، نه تبعیض زبانی و مذهبی وجود دارد،.... بشریت هم تشنه عدالت اسلامی است.... مردم انتظار و امید حکومت اسلامی را داشتند و دارند.» (غفاری، ۱۳۹۶: ۱۵۰). در حکومت اسلامی مورد نظر رهبر شهید، حاکمیت به قشر و گروه خاصی اختصاص ندارد و انحصار با اسلامیت سازگاری ندارد: «مردم حکومت اسلامی می‌خواهد. ولی حکومت به نام اسلامی و در واقع انحصاری را نخواهد پذیرفت.» (غفاری، ۱۳۹۶: ۵۳).

ج. اتکا بر قانون و عقلانیت: خصوصیت دیگر حکومت اسلامی از نظر رهبر شهید، اتکا به قانون و عقلانیت است؛ چون قانون عقلانی شدن زندگی انسانی است: «آنچه اهمیت دارد این است که حکومت از یک مرجع قانونی تشکیل شود.» (غفاری، ۱۳۹۶: ۱۲۸). از این سخن رهبر شهید این‌گونه استنباط می‌شود که ایشان فقه را در حل مشکلات جامعه کافی نمی‌دانسته و عقل بشری و قوانین عرفی را در جامعه‌سازی و تمدن‌سازی لازم می‌دانسته است. در دیدگاه ایشان هیچ نقاری میان اسلامیت و عقلانیت وجود ندارد.

د. اتکا بر آرای مردم: با توجه به مطالبی که در بخش نخست بیان شد، در اندیشه رهبر شهید، در حکومت اسلامی آرای مردم نادیده گرفته نمی‌شود و مردم هم در انتخاب زعیمان سیاسی و هم در نظارت بر آن نقش اساسی دارند: «رنج مشکل دیگر که همه مردم افغانستان در آن شریک بودند، باید همه ملت‌های کشور در حکومت اسلامی آینده بر طبق نفوس‌شان سهیم باشند، در غیر این صورت، حکومت آینده حکومت اسلامی نخواهد بود و در افغانستان نمی‌تواند حکومت کند.» (غفاری، ۱۳۹۶: ۱۳۱).

با توجه به آنچه بیان شد، حکومت اسلامی از نظر استاد شهید، یک حکومت جمهوری و دموکراتیک است که در آن قدرت از مردم است و اسلامیت به معنای اجرای دستورات اسلام در جامعه است؛ آن هم به تعبیر رایج در احوال شخصیه؛ اما فضای عمومی با قانون و عقلانیت اداره می‌شود. در الگوی حکومت اسلامی مورد نظر رهبر شهید، مردم صاحب قدرت و حکومت است؛ اما حکومت با توجه به شرایط عینی جامعه نباید مغایر آموزه‌های صریح اسلام عمل کند.